



مفهوم وصایت در منابع زیدیه تا قرن پنجم

طیبه قاسمی^۱

چکیده:

وصایت از مباحث مهم پس از پیامبر(ص) بوده که به دلیل برداشت های متفاوت از مفهوم آن بسترهای اختلاف را در جامعه مسلمان به ویژه در میان شیعیان فراهم نمود. در بین شیعیان علیرغم وجود تفاوت ها و اختلاف ها در وصایت، نقاط مشترکی نیز وجود دارد. امامیه افضلیت و احقیت علی (ع) و فرزندان در جانشینی پیامبر ص را در نتیجه دو مقوله نص و نصب می دانند و بر این اساس خلافت شیخین را مردود میدانند. زیدیه نیز با اعتقاد به افضلیت حضرت بر تمامی صحابه، به احقیت ایشان در امامت و خلافت و جانشینی بلافصل بعد از پیامبر ص معتقدند. وجه اختلاف در میان این دو گروه از شیعیان مساله مشروعیت خلافت شیخین است که عده ای از آنها خلافت شیخین را با توجه به وجود احادیث نبوی درباره صحابه می پذیرند. با توجه به اهمیت راهبردی این مفهوم در تحولات سیاسی و عقیدتی جامعه اسلامی و همچنین نقش این گروه در تحولات تاریخی شیعه، این پژوهش در تلاش است تا ضمن بررسی مفهومی وصایت در منابع متقدم این گروه تا قرن پنجم به بازتاب این مفهوم در میان ائمه و علمای سلف زیدیه بپردازد
کلیدواژه ها: وصایت ، زیدیه ، جانشینی ، امام علی (ع) ، افضلیت.



مقدمه

جاننشینی پیامبر(ص) از اساسی ترین و محوری ترین مسائل در تاریخ اسلام بوده است. این مسئله زمانی دامن زده شد که جامعه اسلامی با اصل نص و نصب رسول خدای در مساله جاننشینی مواجه شده و هر کدام بنا به شرایط موجود به ایدئولوژی های خاصی معتقد شدند. این مساله علاوه بر ایجاد اختلاف بین جامعه اسلامی و تفکیک آن به دو گروه شیعه و سنی در سطح بسیار وسیعی اختلاف در میان گروه های شیعی نیز دامن زد و در طول حیات سیاسی و فکری این گروه ها فاصله های عقیدتی فراوانی را سبب گردید. بدین منظور در منابع کهن درون گروهی شیعه و یا میان دو گروه عمده شیعه و سنی رد و نقض های فراوانی نوشته شد و مساله وصایت به گونه های مختلف مورد ادعا قرار گرفته و ابعاد مختلف آن از زوایای مختلفی بررسی شده است. این تحقیق با نگاهی موضوع محورانه در تلاش است تا با تکیه بر منابع زیدیه بن مایه های تفکر زیدیه در مساله وصایت بپردازد تا ضمن توجه به وجوه اشتراکی امامیه و زیدیه، تلاشی باشد برای مطالعات مسئله محور بعدی که درصدد بررسی این مساله از منظرهای متفاوت خواهند بود.

بنا به اعتقاد شیعیان، تصریح پیامبر (ص) بر مساله جاننشینی علی (ع) که به امر خداوند در زمان حیاتشان در زمان و مکان های مختلف و در پیشگاه امت واقع شد، در حقیقت صرف معرفی وصی نبود بلکه تلاشی بود برای مقبولیت وصایت علی (ع) بر اساس سنت رایج تعیین شده انبیاء گذشته که عهده دار امور امت پس از آن پیامبر می گردید. بر اساس همین مبنا امامیه وصایت علی (ع) را نصب الهی می دانند که پیامبر(ص) از طریق نص، وصایت و خلافت علی (ع) را برای امت خود تبیین کرده است. همچنین زیدیان نیز افضلیت علی (ع) را دلیل وصی بودن او می دانند و برخی از آنان هم تعیین علی (ع) به عنوان جانشین بلا فصل پیامبر ص را امر الهی دانسته اند. این مسئله مهم با حواشی و جوانب مختلف کلامی و سیاسی آن در منابع امامیه و زیدیه تا قرن پنجم به گونه های مختلف تبلور یافته و این تحقیق بر آنست تا به بررسی منابع موجود از این دو گروه شیعه به وجوه مختلف اتفاق و اختلاف در مسئله وصایت در جهت تنویر مواضع علمای گذشته این دو گروه بپردازد.

آنچه که در این تحقیق بدان توجه شده است تأکید بر مساله وصایت در منابع کهن زیدیه بوده است که از سده های آغازین فعالیت های فکری و سیاسی زیدیه در رسائل، مکاتبات، پرسش ها و پاسخ ها و... به صورتی کاملا واضح در منابع زیدیه جای گرفته است. بررسی این گونه منابع منجر به کشف این مساله گردید که مساله وصایت همانند امامیه، به عنوان گفتمانی رایج و مهم در ادوار مختلف حیات فکری و سیاسی ائمه زیدیه به شمار آمده و از ارکان اساسی تفکر سیاسی این گروه از شیعه به شمار می آمد. در همین راستا مجموعه رسائل زیدین علی و سایر آثار منتسب به ایشان همچنین آثار منتسب به امام زیدی قاسم رسی، و مورد بررسی قرار گرفت که در مجموع، بررسی ها به این نکته منجر خواهد شد که وصایت همانگونه که در تشیع امامی تعریف و تبیین شده است در زیدیه نیز به گونه ای دیگر به چشم می خورد. در آثار منتسب به زید بن علی مشخص می شود، وصایت حضرت علی (ع) بعد از نبی اکرم ص به عنوان جانشین و خلیفه ای است که تعیین او از سوی خدا بوده و پیامبر ص به صراحت به معرفی این رهبر امت می پردازد کسی که افضل مردم زمان خود بود گرچه بعد از رحلت حضرت ص امت او در انتخاب خلیفه دچار اختلاف شدند و با پشت پازدن به کتاب و سنت ابوبکر را به خلافت برگزیدند. ابومحمد قاسم بن ابراهیم بن اسماعیل رسی معتقد است که پیامبر(ص) علی (ع) را وصی و جانشین خود انتخاب کردند و عملا در برخورد با مردم نشان دادند که جامعه نیازمند وصی است و با بهره گرفتن از ادله عقلی و نقلی به اثبات خلافت و جاننشینی علی (ع) به عنوان وصی پیامبر(ص) می پردازند. ابوعبدالله محمد بن قاسم رسی، ایشان وصایت را فریضه ای از جانب خدا و رسولش می دانند که شاهد آن کتاب و سنت می باشد در مباحث خود وصایت را به معنای فقهی آن که انجام امور وصیت کننده است در نظر گرفته اند. هادی الی الحق یحیی بن حسین بن قاسم رسی، استفاده از قید احقیقت در تعیین جانشین پیامبر(ص) و عدم دخالت مردم در تعیین امام و برشمردن فضائل علی (ع) و مخالفت با خلافت شیخین به صورت واضح نشان می دهد که علی (ع) را وصی و جانشین پیامبر(ص) می دانند .



ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی

درباره علی (ع) به جمله ای اکتفا کرده اند که: منزلت علی (ع) را مانند منزلت هارون برای موسی می دانند مرتضی لیدین الله محمد بن امام هادی یحیی بن حسین ایشان با قبول داشتن افضلیت علی (ع) منکر خلافتهم شیخین نمی شود

حاکم ابو سعید محسن بن محمد بن کرامه بیهقی جشمی

در آثار به جا مانده از ایشان وصایت را به معنای خلافت و جانشینی می دانند اما مردم را هم در انتخاب خلیفه آن زمان مجبور می دانند

علمای زیدی مذهب در انتخاب مفهوم وصی به چند دسته تقسیم می شوند:

الف: وصایت علی (ع) را به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر(ص) قبول دارند و خلافت شیخین را رد می کنند.
ب: با اینکه وصایت علی (ع) را به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر(ص) قبول دارند اما خلافت شیخین را نیز قبول دارند و منصب آنان رایا بخاطر لیاقت‌های که داشتند یا به خاطر اجبار مردم در انتخاب خلیفه رسمی می شمارند.
ج: وصایت و جانشینی علی (ع) بعد از پیامبر(ص) را در تعیین حضرت به عنوان جانشین نمی دانند بلکه وصایت را انجام امور وصیت کننده بر می شمارند .

دیگر امامان زیدی در مورد وصایت و خلافت شیخین سکوت کرده اند و موضع خود را به طور دقیق مشخص نمی کنند.
در منابع بررسی شده امامان زیدیه اعتقاد به وصیت کردن پیامبر(ص) و افضلیت و برتری علی (ع) در خلافت و جانشینی بعد از حضرت (ص) به خوبی مشخص شده است.

بررسی مفهوم وصی و وصایت در لغت

وصایت از ریشه «وصی» است که بزرگان لغت، برای وصی چندین معنا در نظر گرفته اند که می توان به صورت زیر دسته بندی کرد

الف : متصل کردن و پیوند زدن (فراهیدی، ۱۴۰۹). ب : عهد و پیمان (ازهری، ۱۴۲۱ق). ج: پندواندرز دادن و سفارش کردن (همان). د: کامل کردن عمل و به درستی کاری را انجام دادن و اجرای کامل عمل و دستور . (زبیدی، ۱۴۱۴ق).

در برخی از معاجم بعد از بررسی ریشه وصی به این نکته اشاره شده است که به حضرت علی (ع) وصی می گویند: مانند ازهری در تهذیب اللغة می گوید: وَصِيٌّ بَيْنَ الْوَصَايَةِ، قِيلَ لَ عَلِيٍّ (ع) لِيَهَ السَّلَامُ: وَصِيٌّ، لِاتِّصَالِ نَسَبِهِ وَ سَبَبِهِ وَ سَمِّيَتْهُ، وَصِيٌّ بِيَانِغَرٍ وَرُوشَن كُنَنَدَه وَصِيَّتْ مِي بَاشَد. وَصِيَّتْ يَعْني أَنِجَه بَه أَن سَفَارَشْ مِي كُنَنَد. بَه عَلِيٍّ (ع) وَصِيٌّ مِي گويند بخاطر اينكه نسبت او به پیامبر(ص) صلی الله علیه وسلم (متصل می شود و راه و روش او هم به پیامبر ص ملحق می گردد و علی (ع) وسیله دستیابی به پیامبر(ص) می باشد.

همچنین زبیدی در تاج العروس وصایت را لقب علی (ع) می داند «وَالْوَصِيُّ، كَعَنِيٍّ: لَقَبُ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ.» کلمه وصی بر وزن غنی، لقب علی بن ابی طالب است (زبیدی، ۱۴۱۴ق).

نام بردن علی (ع) به عنوان وصی در کتب لغت نشان از رایج بودن این لقب نسبت به علی (ع) در بین مردم آن زمان می باشد.

برای روشن شدن وصایت در اصلاح، این واژه را از نظر فقهی و کلامی مورد بررسی قرار می دهیم

طبق نظر ازهری در تهذیب اللغة: وَصِيٌّ بَيْنَ الْوَصَايَةِ، قِيلَ لَ عَلِيٍّ (ع) لِيَهَ السَّلَامُ: وَصِيٌّ، لِاتِّصَالِ نَسَبِهِ وَ سَبَبِهِ سَمِّيَتْهُ. (همان).



وصی بیانگر و روشن کننده وصیت می باشد. وصیت یعنی آنچه به آن سفارش می کنند و به حضرت علی (ع) لیه السلام وصی می گویند زیرا نسبت او به پیامبر (صلی الله علیه وسلم) متصل می شود و راه و روش او هم به پیامبر ص ملحق می گردد و علی (ع) وسیله دستیابی به پیامبر (ص) می باشد.

وصایت در فقه شیعه

و در اصطلاح فقه؛ وصی کسی است که موافق سفارش و وصیت کسی پس از مرگ وی در امور و اموال وی دخالت و تصرف کند. وصیت در بین فقهای شیعه امامیه با توجه به مصدر یا اسم مصدر بودن وصی سه معنا از آن را در نظر گرفته اند. الف: با توجه به مصدر آن از "وصی یصی" به معنای وصل کردن می باشد زیرا وصیت کننده تصرفات بعد از مرگ خود را به تصرفات زمان حیات خود متصل می کند. (حلی، ۱۴۱۴ق). ب: به معنای سفارش کردن که از "وصی یوصی" با توجه به اسم مصدری آن می باشد. (نجفی، ۱۳۹۷ق).

ج: از "اوصی یوصی" به معنای تملیک عین یا منفعت آن می باشد. (حلی، ۱۳۸۵).

بنابراین وصیت در معنای اصطلاح فقهی در جای به کار می رود که فرد برای امور بعد از مرگ خود وصیت کند و در فقه احکام و حدود خاصی برای آن قرار داده اند. در بین علمای شیعه از وصایت به معنای خلافت و جانشینی بلا فصل بعد از نبی اکرم (ص) نام برده شده است

۱. آثار منتسب به امام زید بن علی بن الحسین ع (۷۵-۱۲۲)

زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام مادرش ام ولداً بود که مختار آن را خرید و به امام علی بن حسین علی (ع) هدیه کرد او در سال ۱۲۲ به شهادت رسید. (حمید بن احمد، ۱۴۲۳ق).

آثاری که از زید باقی مانده است و یا به اونسبت می دهند به وصایت حضرت علی (ع) اشاره می کند و با توجه به ادله ای که به کار برده است نشان می دهد که منظور او از وصایت، خلافت و جانشینی علی (ع) و انجام امور و کارهای بعد از رحلت نبی اکرم توسط حضرت علی (ع) می باشد.

۱-۱- بطلان شبه وصیت نکردن پیامبر (ص)

بر طبق نظر عده ای حضرت (ص) جانشینی برای خود انتخاب نکرده است و انتخاب جانشین خود را به امت واگذار کرده است بنابراین مردم هم ابوبکر را به رهبری برگزیدند اما برخلاف نظر اول عده ای دیگر علی (ع) را به عنوان جانشین پیامبر ص معرفی کردند و او را خلیفه و امام خود قرار دادند. به راستی آیا رسول خدا ص وصیت کرده است یا نه؟ (زید بن علی، ۱۴۲۳ق). سوالی که زید به دنبال جواب آن است نشان از نگاه عمیقش به مساله وصایت دارد گویا راه حل را در این میببیند که برای خط بطلان کشیدن به شبهه بی اساسی که پیامبر (ص) را متهم به وصیت نکردن می کند به سراغ کتاب الهی رفته و آیاتی را به عنوان شاهد می آورد که مسلمانان را به وصیت کردن تشویق کرده است مانند ایه ۱۸۰ بقره و... مانند ۱۸۰ بقره ۱۰۶-۱۳۳ نساء ۱۱.

این آیات نشان می دهد وصیت در قرآن هم سفارش شده است. (زید بن علی، ۱۴۱۲ق). و سیره پیامبر (ص) نشان میدهد که وقتی مردم را طبق آیه قرآن به وصیت کردن سفارش می کند قطعاً پیامبر (ص) به چیزی که امر می کند تا دیگران آن را انجام می دهد خود نیز آن را انجام میدهد بنابراین حضرت حتماً وصیت کرده اند (زید بن علی، ۱۴۲۳ق).



۲-۱- احتیاج امت بعد از پیامبر (ص) به امام توانا

زید بن علی (ع) اعتقاد دارد که بعد از نبی اکرم ص مردم باید به قرآن و سنت متمسک شوند. جامعه بعد از نبی اکرم ص به فردی نیاز دارند که «بصلی بهم، یقیم اعیادهم، یجیبی زکاتهم... و یقیم حدودهم». زکات را بگیرد و اقامه حق کند و خود تابع سنت باشد و دیگران هم آن را قبول کنند. این والی باید در کتاب و سنت مشخص باشد (همان). در واقع انجام امور دینی جامعه توسط والی و شناختن این فرد از طریق آیات و روایات و پذیرش او توسط مردم نشان می دهد باید فضیلتها و خود فرد از قبل در بین مردم شناخته شده باشد و توانایی اداره امور جامعه را هم داشته باشد در واقع این فرد باید لایق اداره امور مادی و معنوی جامعه باشد.

۱-۳- تعیین وصی پیامبر (ص) توسط خداوند

او با استناد به آیه 68 سوره قصص «وریک یخلق ما یشاء ویختار ماکان لهم الخیره» سوره قصص، آیه 68. بیان می کند در این آیه مشخص شده است که خداوند بهترین افراد را از بین خلق خود انتخاب می کند و این انتخاب مخصوص خداوند است. (زید بن علی، ۱۴۲۳ق). و در قسمتی از فتاوی امام زید، واصل بن عطا از او در مورد تعیین امامت به اختیار یا تعیین و نص می پرسد و زید در پاسخ می گوید: امامت امانت الهی در نزد ائمه هدی است. (همان).

۴-۱- مشخص کردن مصادیق و خصوصیات جانشین پیامبر (ص)

الف: در آیات قرآن

به راستی بهترین خلق بعد از نبی اکرم ص چه کسی است؟ زید معتقد است پاسخ این سوال در آیه 13 سوره حجرات آمده است «ان اکرمکم عندالله اتقاکم...» سوره حجرات، آیه 13. در این آیه متقین را معرفی می کند و از بین متقین طبق آیه 69 سوره نساء مجاهدون در راه خدا و از بین آنان سبقت گیرندگان در جهاد و از بین سابقین افرادی گزینش می شوند که جان خود را به خاطر رضای خدا به خطر می اندازند و اینان خاشع و عالم هستند عالم ترین مردم که همه را به سوی حق دعوت و راهنمای می کنند و حکومت از آن آنهاست (سوره حدید، آیه 10، سوره مزمل، آیه 20، سوره فاطر، آیه 28، سوره مائده، آیه 95).

وصی حضرت باید مانند رسول خدا (ص) که خیر الناس و اعلم الناس بود او هم باید از بهترین و داناترین و با اطمینان ترین فرد در اجرای وصیت پیامبر (ص) باشد که صفات و شرایط وصی در قرآن مشخص شده است مانند سبقت در ایمان، جهاد در راه خدا و فضیلت و... (بر طبق آیات 66 قصص و 10-11 واقعه و 100 توبه و 10 حدید و 10 حشر).

با برشمردن صفات ویژه ای که از قرآن به دست آورده است به دنبال مصادیق برای آیات می رود که مصادیق این آیات را علی (ع) می داند و به اعتقاد او همه این صفات و شرایط در علی (ع) جمع است. علی (ع) تمام فضائل نبی اکرم ص را دارد و بعد از او امام است و حق امامان این است که امام و آنچه آورده است را بشناسیم. (زید بن علی، ۱۴۲۳ق).

اودر کتاب "تفسیر غریب القرآن" در شرح آیه 67 سوره مائده «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک وان لم تفعل فما بلغته رسالته والله یعصمک من الناس» اعتقاد دارد این آیه در مورد علی بن ابی طالب ع به طور خاص می باشد. (زید بن علی، ۱۴۱۲ق).

کسی که بهترین این امت، باتقواترین، خاشع ترین عالمترین می باشد علی (ع) هدایت کننده مردم به سوی حق است و مردم باید از او پیروی کنند و او باید حاکم باشد (زید بن علی، ۱۴۲۳ق).

ب: در احادیث نبوی

حدیث الائمة من القریش

در حدیثی از پیامبر (ص) که «الائمة من القریش» زید با برشمردن چهار تن از اصحاب پیامبر ص که از فقیهان و عالمان در زمان حضرت بودند آنان را برای تعیین امام بعد از نبی اکرم ص با این حدیث تطبیق می دهد و بیان می کند که فقط عبدالله



بن عباس و علی (ع) قریشی بودند او برای انتخاب یک نفر از میان این دو به روایتی دیگر از پیامبر(ص) مراجعه میکند «اذا کان فقیهین عالمین فاکبرهما واقدمهما فی الهجرة» بنابراین، عبدالله بن عباس از دایره امامت خارج می شود و علی (ع) به عنوان فردی که احق مردم به امامت بعد از نبی اکرم ص است معرفی می شود. (زیدبن علی، ۱۴۲۳).

حدیث منزلت

درباره تفسیر خبر منزلت از عبدالعزیز بن اسحاق از زید بن علی (ع) نقل شده است که علی (ع) به هارون تشبیه شده است و هارون برادری، شرکت در نبوت و خلافت را داشت. از نظر عقلی، علی (ع) با پیامبر نسبت برادری نداشت و در نبوت هم برطبق حدیث استثنا شده است پس فقط منزلت امامت باقی می ماند. (همان).

حدیث ثقلین و حدیث وزارت

زید بن علی (ع) پس از اشاره به حدیث ثقلین حدیث وزارت را نقل می کند که پیامبر(ص)، علی (ع) را وزیر و برادر و بهترین فرد امت خود و از اهل کساء می داند که هم وزیر و هم پدر حسنین می باشد. (زید بن علی، مجموع حدیثی و فقهی، ۱۴۲۲ق).

در "مسند امام زید" زید بن علی (ع) اذان را با اسناد خود از حضرت علی (ع) نقل می کند اما اشاره ای به اشهد ان علیا ولی الله نمی کند البته شهادت به ولایت علی بن ابی طالب در اذان به صورت استحباب است و واجب نمی باشد

۱-۵- اختلاف امت در تعیین جانشین پیامبر (ص) و انتخاب نادرست

بارحلت نبی اکرم ص امت او در مورد جانشین او دچار اختلاف شدند. زید ادعا می کند با اینکه پیامبر اکرم ص وصحابه را درک نکرده ولیکن از اختلاف بین جانشین آن حضرت آگاه است و می داند کدام گروه اولی به راستگوی بوده است. زید اعتقاد دارد گرچه هر دو گروه ادعای راستگوی و مدعی برحق بودن را دارند اما با ادله نقلی و عقلی دیدگاه افرادی را که حضرت علی (ع) را جانشین پیامبر ص می دانند را می پذیرد (زیربن علی، ۱۴۲۳ق). و مردم در اختلاف جانشین امت همان اولین اختلافی که بعد از وفات پیامبر(ص) به وجود آمد ابوبکر را بدون مشورت از بین همه مردم انتخاب کردند و بعد از او عمر را به این کار گماشتند.

۶-۱- تقدم حضرت علی (ع) در فضائل و اخلاق

زید بن علی (ع) صراحت بیان می کند که نه تنها حضرت علی (ع) در فضائل نسبت به سایرین مقدم است، بلکه او در امر خلافت و جانشینی و رهبری امت پس از نبی اکرم ص هم از همه لایق تر و مقدم می باشد. زید از افرادی که در مورد علی بن ابی طالب ع و ابوبکر اختلاف نظر پیدا کردند از سوابق آنها می پرسد: کدام یک از این دو در راه خدا بیشتر کار کرده اند؟ کدام یک از متقین و خاشعین هستند؟ کدامین اعلم ترین برای دعوت مردم به سوی حق می باشند؟ سپس در پاسخ می گوید: قطعاً علی (ع) بهتر است و آیات و روایات همین مطلب را تایید می کنند. (زیدبن علی، ۱۴۲۳ق).

۷-۱- تاکید به روشن بودن وصایت علی (ع) در عصر خلفا

به اعتقاد زید وصایت علی (ع) در عصر صحابه با توجه به روایات مربوط به وصایت کاملاً روشن بوده است، و حضرت علی (ع) مقصر در راهنمای مردم به سوی امامت خود نیستند. (زید بن علی، ۱۴۱۲ق).

بیان زید در این جملات به خوبی نشان می دهد که زید بن علی (ع) نظر عده ای را که سکوت حضرت علی (ع) را مبنی بر پذیرش خلافت شیخین دارد را رد می کند و تلاش های علی (ع) و یاران او را در راه اثبات خلافت و جانشینی برحق علی بن ابی طالب بعد از نبی اکرم ص نادیده نمی گیرد

۸-۱- علی (ع) وصی و خلیفه بعد از رسول الله



زید در مجموعه کتب و رسائل دربخش "الرساله المدنیه" که مجموعه ای از پاسخ های امام زید به سوالاتی است که از او پرسیده اند، عنوانی که برای حضرت علی (ع) به کار می برد این است که او وصی رسول خدا ص در بین امتش و خلیفه اودر دین و شریعتش می باشد به کار بردن واژه وصی و خلیفه در کنارهم و بیان جایگاه این وصایت و خلافت هیچ جای شک و تردیدی را باقی نمی گذارد که منظور جانشینی بعد از نبی اکرم ص است.

او هم چنین در پاسخ به نامه ای که در مورد افرادی که از امیرالمومنین علی (ع) دوری کرده اند سوال پرسیده اند چنین می نویسد «حزب امیرالمومنین همان حزب خدا و حزب رسول خداست»

وقتی حزب علی (ع) و پیامبر(ص) یکی باشد انکار علی (ع) و دوری از علی (ع) گویا انکار و دوری از پیامبر(ص) است. و حسن بن بدرالدین در کتاب انوار الیقین از قول زید، اولی ترین فرد بعد از نبی اکرم ص امیرالمومنین علی (ع) است (زید بن علی، ۱۴۱۲). امام ابوطالب از فضیل رسان ماجرای کناسه و سوال عده ای از زید در مورد شیخین را بیان می کند که با جوابی که داد عده ای او را ترک کردند.

و در زمانی که به زید تیری خورد پرسید: دوتا سوال کننده کجا هستند؟ پس از حاضر کردن آن دو زید گفت: «هما قتلانی، هما اقامانی هذا المقام و هما اول من ظلمنا حقنا و حملا الناس علی اکتافنا فدمائنا فی رقابهم لی ان تقوم القیامه» که منظور از شیخین ابوبکر و عمر است و عده ای بخاطر این ماجرای تاریخی، نظر زید در مورد شیخین را مثبت اعلام کنند او را به عنوان فردی که خلافت شیخین را قبول داشت معرفی می کنند.

هم چنین نشوان حمیری در حورالعین از حسن بن علی از عمر بن موسی نقل می کند که زید در پاسخ به سوالی که در مورد امامت امام علی (ع) از او شده بود می گوید «رسول خدا نبی مرسل بود و کسی در منزلت مانند او نبود و بعد از رسول خدا ص علی ع امام مسلمین در حلال و حرام و سنت رسول خدا و تاویل کتاب بود. و عده ای گمان کردند او از طرف خدا و رسول خدا ص نیست...» (زید بن علی، ۱۴۱۲ق).

۲. امام ابو محمد قاسم بن ابراهیم بن اسماعیل بن الرسی (169-246)

با مطالعه آنچه از آثار منتسب به ابو محمد بن رسی باقی مانده است چند نکته در باب وصایت را بیان می کنند

۱-۲- دفع شبه وصیت نکردن پیامبر (ص)

وی در جواب خوارج ادعای آنان را مبنی بر وصیت نکردن پیامبر(ص) و عدم انتخاب خلیفه توسط او و طعن زدن شیعه به عمر و ابوبکر را گمانی باطل می شمارد. به نظر او عده ای که به رسول خدا ص در مورد انتخاب نکردن وصی توسط حضرت تهمت می زنند که جایگاه اینان در آتش جهنم است. در آیاتی از قرآن به وصیت کردن سفارش و تاکید شده است مانند سوره مائده آیه 106 (اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیر الوصیه للوالدین و الاقربین بالمعروف حقا علی المتقین).

او کتاب "کامل المنیر فی اثبات ولایه امیرالمومنین علی بن ابی طالب و الرد علی الخوارج" را در جواب به خوارج نوشته است و به ولایت و وصایت حضرت علی (ع) هم را به طور دقیق بررسی می کند. خوارج اعتقاد دارند که ادعای شیعه مبنی بر امامت و وصایت علی (ع) و تعیین وصی توسط نبی اکرم ص دروغی از سوی شیعه است

۲-۲- خلافت ابوبکر

نظر محمد بن اسماعیل رسی در مورد نماز خواندن ابوبکر این می باشد که خوارج از دستور پیامبر(ص) به دنبال تایید برای جانشینی و خلافت ابوبکر بعد از پیامبر(ص) می باشند که وقتی او توسط پیامبر ص بریک امر دینی گماشته شده لیاقت او را در امور دنیوی هم می رساند.

۳-۲- تعیین وصی پیامبر (ص) به وسیله نص

قاسم بن ابراهیم رسی در ابتدا بیان می کند که خداوند رسولان خود را برای هدایت بشر فرستاده است محمد ص آخرین فرستاده الهی و حجت خدا روی زمین است او خویشان خود را به سوی هدایت الهی و نبوت خود دعوت کرد و اولین کسی که او



دعوت اورا اجابت کرد علی (ع) بود همان علی که از نظر منزلت بالاترین فرد بود همو که پسر عموی پیامبر (ص) و صاحب افتخارات زیادی بوده است. (رسی، ۱۴۲۳ق).

- دلیل پیامبر(ص) از انتخاب وصی این بود که، بعد از او وصی پیامبر(ص) راه‌های هدایت را برای امتش روشن کند و علی (ع) را نشانه ای برای امت خود قرار داد و در تعیین وصی بعد از خود به روش گذشته گانش اقتدا کرد که در آیه 180 بقره هم به ان اشاره شده است

- وهم‌چنین با مطالعه سیره و روش پیامبر(ص) به این نتیجه می‌رسیم که حضرت برای مدتی که در برای جنگ از شهر خارج می شدند فردی را به جانشینی خود منسوب می کرد حتی در میان فرماندهان سپاه جنگ هم چند نفر رامی گماشتند تا اگر اتفاقی برای یک کدام افتاد دیگری بتواند سپاه را مدیریت کند غزوه خیبر و تبوک و عامو... همه نشان دهنده روش پیامبر(ص) در اداره جامعه و تدبیر ایشان در زمان نبودنشان به مدت کوتاه است می باشد و ایشان حتما در امر امت خود برای مدت طولانی هم اندیشه ای داشته است.

۴-۲- اثبات وصایت علی (ع)

او به 27 روایت اشاره می کند که این احادیث را دلیل بر وصی بودن علی (ع) بعد از نبی اکرم (ص) می‌داند 1- گواهی ابراهیم نخعی به اینکه علی (ع) وصی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است و حسن علیه السلام وصی علی (ع) و حسین (ع) وصی حسن و علی بن حسین وصی حسین و محمد بن علی وصی علی بن حسین است .

۱- حدیث محمد بن شرحبیل که از ابراهیم بن عمر نقل شده است که مرد پیری به او گفت: «رسول خدا ص علی (ع) را وصی خود قرار داد و به او امر کرد دین او را ادا کند» (رسی، ۱۴۲۳ق).

۲- در حدیث عبدالرزاق مردشامی از عبد الله بن عباس سوال می کند که ما از علی بن ابی طالب دوری می کنیم و او را لعن می کنیم .

۳- ابن عباس می گوید: یا او اولین کسی نبود که در عالم به پیامبر ایمان آورد و پیامبر(ص) به ام سلمه در مورد او فرمود: «علی (ع) وصی اهل بیت و خلیفه من در میان امت من است»

۴- حدیث جابر بن عبدالله انصاری: پیامبر (ص) در مورد علی (ع) فرموده است «یا علی انک منی وانا منک و تراثتی وارثک و انک منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی و انک وصی و تبری دمتی و تقاتل علی سنتی...»

۵- حدیث صخره، دانستن مکان آب توسط علی (ع) که فقط نبی یا وصی خدا از او آگاهی داشتند.

۶- حدیث غدیر در حدیث غدیر حضرت علی (ع) را بعنوان ولی مسلمانان و ولی بعد از نبی اکرم خوانده اند.

۷- حدیث استخلاف

۸- حدیث ام ایمن پیامبر (ص) به ام ایمن فرمودند که علی (ع) خیرالاصیاء می باشد.

۹- حدیث ناقه، در روز قیامت علی (ع) بر روی ناقه ای از نرسوار است و ندا دهنده ای ندا می کند که این علی بن ابی طالب ع وصی رسول خدا ص می باشد.

۱۰- حدیث زوجک وصی خیر الوصین، پیامبر ص به فاطمه سلام الله علیها فرمودند: همسر تو وصی من و بهترین وصی است.

۱۱- حدیث ان الله اختار علیا وصیا پیامبر (ص) به فاطمه علیها السلام فرمودند: که خداوند مرا برای نبوت و علی (ع) را برای وصی بعد از من انتخاب کرد.

۱۲- حدیث ابراهیم بن اسحاق با سند خود از ابوذر غفاری نقل می کند که از رسول خدا ص پرسیدم ای رسول خدا خلیفه بعد از توو چه کسی است و حضرت فرمودند: علی بن ابی طالب بهترین است، همان کسی که او را به عقب برگردانید و بعد از من با او خلاف وعده می کنند. سوال پرسیدند بعد از شما چه کسی می آید حضرت فرمودند: بعد از من ابوبکر ابی قحافه و...

۱۳- حدیث عیسی بن جعفر که اشاره می کند علی (ع) بهترین وصی است. (رسی، ۱۴۲۳ق).



14- حدیث و کعب بن جراح در این حدیث علی (ع) را به عنوان امیر معرفی می کند.

۱۵- حدیث سلمان فارسی که از پیامبر(ص) سوال می کنند ای رسول خدا هر نبی یک وصی دارد وصی شما چه کسی است؟ حضرت فرمودند: این علی وصی من است.

۱۶- حدیث منزلت از ابی سعید خدری که پیامبر ص به حضرت علی (ع) فرمودند: «یا علی اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی»

واحادیث دیگر که نشان می دهد علی بن ابی طالب ع وصی پیامبر(ص) می باشد. او در ادامه کتاب اشاره به بیعت اکراهی حضرت علی (ع) با ابوبکر می کند سپس فضائل علی (ع) لیه السلام را برمی شمارد و به مابقی شبهات مطرح شده توسط خوارج پاسخ می دهد. در کتاب "مجموع کتب و رسائل امام قاسم بن ابراهیم رسی" در جلد دوم کتاب تثبیت الامامه می باشد که بعد از بحث از وجوب امامت و ضرورت آن، رسول اکرم را وصی از اوصیاء الهی می داند که وصی بودن آن با دلیل واز سوی خداوند است و هم چنین آنچه در مورد علی (ع) که مشهور و معلوم است و بخاطر منزلت علی (ع) می باشد .

از جمله اقوال مشهور حدیث منزلت است که در مورد حضرت علی (ع) بیان شده است او وصی بودن حضرت علی (ع) را فضیلتی از طرف خداوند برای علی (ع) می داند «فضیله من الله لعلی» و آیاتی در قرآن که بندگان را به وصیت کردن توصیه کرده است نشان از آن دارد که خداوند محمد را هم به وصیت کردن سفارش کرده است واز جمله این وصیتهای وصیتی است که مخصوص علی (ع) می باشد که او وصی نبی اکرم می باشد .

۳. امام ابو عبدالله محمد بن قاسم رسی (۱۹۸-۲۷۹)

قاسم رسی کتاب " اصول ثمانیه " اصل هفتم را به امامت اختصاص داده است و امامت را فریضه ای از جانب خدا و رسول او می داند که در کتاب و سنت هم آمده است. ایه 247 سوره بقره (وزاده بسطه فی لعلم والجسم) نیروی جسم را قوه ای می داند که شامل شجاعت و کرم و زهد می گردد که دنیروی جسم و علم را در امام علی (ع) و حسن ع و حسین ع می باشد . در کتاب "الهجره والوصیه" آنچه به عنوان وصیت بیان کرده است وصیت به معنای فقهی آن می باشد . (رسی، ۱۴۲۲).

۴. امام هادی الی الحق یحیی بن حسین بن قاسم الرسی (۲۴۵-۲۹۸)

او در کتاب "مجموع رسائل امام هادی" در باب امامت حضرت علی (ع) لیه السلام مساله آگاهی از وصایت آن حضرت را از واجبات می داند «یجب علیه أن یعلم أن علی بن أبی طالب بن عبد المطلب أمير المؤمنین، و سید المسلمین، و وصی رسول رب العالمین، و وزیره و قاضی دینه، و أحق الناس بمقام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، و أفضل الخلق بعده، و أعلمهم بما جاء به محمد، و ...»

هادی الی الحق حضرت علی (ع) وصی و وزیر رسول خدا ص معرفی می کند و او را کسی می داند که به مقام رسول خدا ص احقیقت داشته است قید احقیقتی که برای علی (ع) قائل است دو نکته را میرساند احق افعال تفصیل است یعنی حق داشتن و برتری مطلق در یک صفتی راکه دیگران هم ان صفت را دارند و قول به احقیقت، افضلیت را هم می رساند در واقع او هم امامت را حق علی (ع) می داند و او را به دیگران به سبب افضلیت برتر می شمارد .

حضرت علی (ع) از همه زودتر به سلام ایمان آوردند و مردم را به سوی حق هدایت می کند مردم را به راه مستقیم الهی دعوت می کند و علی (ع) کسی است که خود راه پیامبر را پیمووده است و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره او فرمود : «علی منی بمنزله هارون من موسی، إلا أنه لا نبی بعدی» و حدیث غدیر در شان او نازل شده است وقتی از او درباره امامت می پرسند او پاسخ می دهد امامت با اجماع مردم ثابت نمی شود بلکه با حکم الهی است. هادی الی الحق در ابتدای کتاب "تثبیت الامامه" خود با چهار دسته کردن مردم بعد از رحلت نبی اکرم ص به بررسی تک تک این نظریات می پردازد : گروه اول حضرت علی (ع) را وصی و امام از طرف پیامبر(ص) به این منصب می دانند که رسول خدا ص با بردن نام و نسب علی او را به این منصب گماشته است



گروه دوم ابابکر را وصی پیامبر(ص) می دانند زیرا پیامبر(ص) به او امر کرد که نماز بخواند و نماز ستون دین است و نشان از بهترین بودن او هم دارد

گروه سوم ادعا می کنند پیامبر اصلا وصیتی نکرده است

گروه چهارم هم اشاره کردن پیامبر(ص) به حضرت علی (ع) را مد نظر دارند در واقع گروه چهارم به نص خفی بر امامت حضرت علی (ع) اشاره می کنند

یحیی بن حسین پاسخ گروه های را که وصایت علی (ع) را قبول ندارد می دهد و با بیان مطالبی نشان می دهد او خلافت ابابکر را هم قبول ندارد تا جای که مواردی از کارهای آنها را برمی نشمارد برد که نشان می دهد ابوبکر و عمر با احکام و سنت الهی مخالفت نشان دادند و امامت را منصب الهی می داند که باید توسط خداوند مشخص و تعیین شود او از اجتماع مسلمین در مدینه که بخاطر امر امامت در سقیفه جمع شده بودند بود می پرسد اگر رسول خدا ص امر امامت را به مسلمین واگذار کرده بود پس نقش مسلمانان غیر از شهر مدینه چه می شود ؟ اگر هم پاسخ دهند فقط مسلمانان مدینه باید امر امامت را مشخص می کردند پس افرادی که در سقیفه حاضر نشدند را چگونه جواب می دهید این چه جور اجتماعی است که علی (ع) مشغول کفن و دفن پیامبر(ص) شد و عمر مشغول بیعت گرفتن ؟ اگر علی (ع) جانشین پیامبر نبود پس چرا حاضر به بیعت نشد و با شکستن درب منزل او از او بیعت گرفتند

در واقع این امامان زیدی هم به اثبات وصایت علی (ع) می پردازند هم خلافت شیخین را زیر سوال می برند و نشان می دهند که آنچه در جامعه مسلمین در امر جانشینی بعد از رحلت پیامبر(ص) اتفاق افتاد برخلاف سخن پیامبر(ص) بود و خلافت شیخین هم مشروعیت ندارد و گرچه حضرت علی (ع) از خلافت و جانشینی پیامبر(ص) برکنار شدند، اما حضرت علی (ع) وصی پیامبر(ص) می باشند .

در نسخه ای که از وصیت امام هادی الی الحق در کتاب درر الاحادیث النبویه باقی مانده است او شهادت می دهد که علی بن ابی طالب برادر و ولی رسول خداست او کسی است که حجت الهی را بعد از رسول خدا اقامه می کند و دعوت کننده مردم است به طاعت خداوند او از فضیلت های بی شمار علی (ع) اشاره به مجاهدتهای علی (ع) در راه پیامبر ص و گذشتن او از جان و مالش بخاطر پیروی از سنت الهی می کند او علی (ع) را از همه مردم به پیامبر ص نزدیکتر می داند و او را شایسته مقام خلافتی می داند که علی (ع) از همه به آن مقام احقیت دارد .

۵. ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن کوفی (قرن سوم)

اودرتفسیر (وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمُوا الصَّالِحَاتِ) در سوره بقره صالحات را علی بن ابی طالب و اوصیای بعد از او عنوان می کند. در تفسیر آیه «تَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» بیان می کند که جبریل بر ادم نازل شد که بگوید به حق محمد نبی تو و علی وصی نبی تو و گفتن این کلمات توبه او پذیرفته شود .

حضرت علی (ع) در تفسیر آیه « وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ » فرمایند: « جایگاه من پیش پیامبر(ص) مثل منزلت هارون است در نزد موسی »

در تفسیر آیه آمن الرسول اشاره به گفتگوی خداوند و پیامبر(ص) می کنند که پیامبر(ص) در سوال خداوند که بعد از خودت چه کسی را برای امتت فرا داده ای می گوید بهترین امت را و خداوند می گوید علی ابن ابی طالب ع. پیامبر(ص) هم تایید می کند .

در تفسیر آیه ان الله اصطفى علی (ع) وصی محمد است.

آیه و انذر عشیرتک الاقربین پیامبر(ص) علی (ع) را وزیر، وصی و برادر خود خطاب کرد و با سند دیگر از جعفر بن محمد بن احمد بن یوسف اودی سخن پیامبر ص در تفسیر این آیه بدون کلمه وصی می آورد و در سند حسین بن محمد بن مصعب بجلی برادر وصی و خلیفه را آورده است



حسن بن علی بن عفان از ابی رافع از رسول خدا ص در مورد این آیه آمده است که پیامبر(ص) ابتدا در جمع افرادی که دعوت کرده بود فرمود هیچ نبی نبوده است مگر اینکه خداوند از اهل او کسی را وارث و وصی و وزیر نبی قرار می دهد حال کدام یک از شما با من بیعت می کنید تا برادر، وزیر، وارث، وصی و جانشین من باشد و مقام و منزلت او برای من مانند مقام هارون برای موسی باشد جز اینکه بعد از نبی نمی باشد.

در بیان حدیث منزلت از زبان پیامبر(ص) در شان علی (ع) در غزوه تبوک و خندق هم اشاره شده است «یا علی اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی و انت خلیفتی فی اهلی و انه لا یصلح الا انا و انت» تفسیر آیه و ما کنت بجانب اشاره به وصایت علی (ع) بعد از نبی اکرم دارد زیرا هیچ نبی بدون وصی نبوده است تفسیر آیه 7 تا 14 بقره به نقل از سلمان آمده است با گریه فاطمه س در بستر مرگ پیامبر(ص) با او در مورد نبوت خویش و وصایت علی (ع) بعد از خود سخن می گوید و شوهرش را وصی و برادر خود می داند و بدین سبب فاطمه س خوشنود می شود.

تفسیر سوره الم نشرح جعفر بن احمد بن یوسف از ابی جعفر آمده است «اذا فرغت من نبوتک فانصب علیا من بعدک و علی وصیک... فکان حقه الوصیه...» در تفسیر این آیه هم علی (ع) وصی بعد از نبی ص که لیاقت و شایستگی وصایت را هم دارد شناخته شده است.

با سندی از ابن عباس نقل شده است که او در تعجب است از افرادی که میگویند پیامبر(ص) وصیت نکرده است زیرا هر نبی وصی دارد و وصی پیامبر ص علی (ع) است هم چنین عبید بن کثیر با سند خود از حسن بن علی (ع) به واقع ای اشاره می کند که نشان می دهد افرادی که به کتب مقدس پیشین آشنایی داشتند وصی نبی اکرم را می شناختند در این قضیه عمر از کعب می خواهد دانایترین فرد بنی اسرائیل را معرفی کند او بعد از موسی یوشع را نام می برد که وصی موسی هم بود

عمر سوال از وصی بعد از پیامبر(ص) می کند که کعب سخن از انتخاب ابوبکر بخاطر صلاحیتش می کند ولی بیان می کند که او وصی نبود بلکه وصی پیامبر(ص) علی است (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق)

۶. علی بن محمد بن عبیدالله العلوی العباسی

هادی الی الحق در سفرهای که داشته مردم را به قران و سنت پیامبر خدا دعوت می کرده است. یحیی بن حسین در ابتدای کتاب خود در مورد امامان بعد از نبی و شروط که در امامت است و وظایف مردم در برابر امامان که خلیفه پیامبر هستند را برمی شمارد. عقیده یحیی بن حسین در مورد وصایت را در این کتاب به صراحت نمی توان بیان کرد زیرا فقر در چند شعر در کنار نام علی (ع) واژه وصایت ذکر شده است که نمی تواند دلیلی بر قبول وصایت علی (ع) به عنوان جانشین پیامبر(ص) باشد.

انا ابن رسول الله و ابن وصیه من لیس یحصی فضله و وقائعه یابن الوصی امیرالمومنین و یا نسل البتول و من قد فاز بالمنن صنعوا الرسول المصطفی و وصیه و ابوالحسین السید القمقام (الهادی، ۱۴۰۱).

۷. الامام المرتضی لدین الله محمد بن الامام الهادی یحیی بن الحسین

مجموعه کتب و رسائل امام مرتضی محمد بن یحیی الهادی در قسمت مسائل عبدالله بن حسن امام مرتضی به وصی داشتن هر نبی تاکید می کند و نزول آیه 55 سوره مائده را در شان حضرت علی (ع) می داند. در بخشی که به فضائل علی بن ابی طالب در کتاب "الاصول" اختصاص داده است او برادر و بافضیلت ترین فرد بعد از پیامبر(ص) و عالم به آنچه پیامبر(ص)

۱. انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه و هم را کعون .



آورده بود می‌داند و حدیث غدیر و منزلت را در شان علی (ع) بیان می‌کند که علی (ع) برای من به منزله هارون است برای موسی بجز اینکه بعد از او نبی نیست. اگر چه در این قسمت حضرت علی را اینگونه معرفی می‌کند ولیکن در قسمتی دیگر از کتاب خود درباره اصحاب پیامبر ص اعتقاد دارد که کسی که به آنها طه‌ننه بزند مازور است و آنان بر گردن همه مسلمین حق دارند و باید برای آنها استغفار کرد زیرا آنها اقامه حق کردند (عبدالله بن حسن، ۱۴۲۳).

به نظر می‌رسد ایشان افضلیت علی (ع) را قبول دارند ولی خلافت شیخین را هم منکر نمی‌شوند.

۸. الامام الناصر لدين الله احمد بن الامام الهادي يحيى بن الحسين (متوفى ۳۱۵ق).

فقط به انتخاب انبیاء توسط خداوند روی زمین اشاره می‌کند که هدف از این کار آمدن ائمه برای حکومت بین مردم براساس عدل است.

۹. ابن عقده، ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید هدانی کوفی (249-332)

شیخ طوسی و نجاشی او را ثقه و زیدی جارودی می‌دانند. ابن عقده در کتاب "ولایت" به شورای شش نفره اشاره می‌کند که از حضرت علی (ع) عثمان بن عفان و طلحه و زبیر و سعد ابی وقاص و عبدالرحمن بن عوف و عبدالله بن عمر تشکیل شده بود و علی بن ابیطالب از همه خواست به حرفهایش گوش دهند و در صورت درست بودن کلام او همه تصدیق کنند. (امام مرتضی لیدن الله، ۱۴۲۱).

علی بن ابی طالب حدیث منزلت را که پیامبر ص او را وصی، خلیفه، وزیر، وارث او در امتش قرار داده است را یا دآوری می‌کند علی بن ابی طالب ع خود را وصی رسول خدا ص در اهل و مالش می‌داند و تنها کسی است که رسول خدا ص از او خواست که او را غسل دهد و همه این مطلب را تصدیق می‌کنند. (ابن عقده کوفی، ۱۴۲۱).

پاسخ پیامبر (ص) به سوال سلمان فارسی در باره آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» اینگونه است که این آیه مخصوص علی (ع) و تمام اوصیای او تا روز قیامت نازل شده است و زمانی که از حضرت می‌خواهند این مطلب را روشن تر کنند او علی و اوصیای بعد از خود را اینگونه معرفی می‌کند «علی اخی و وصی و وارثی و خلیفتی فی امتی و ولی کل مومن بعدی واحد عشر اماما من ولده اولهم ابنی حسن ثم ابنی حسین ثم تسعه من ولد الحسين واحدا بعد واحد...» در این حدیث وصایت علی (ع) و یازده امام بعد از نبی اکرم روشن می‌شود (ابن عقده کوفی، ۱۴۲۱).

ابن عقده در کتاب "فضائل امیرالمومنین" القاب و فضیلت‌های حضرت علی (ع) را بیان می‌کند لقب وصی بودن علی بن ابی طالب ع را جزو آن القاب برمی‌شمارد و همچنین روایاتی را نقل می‌کند که حضرت علی (ع) را وصی پیامبر (ص) معرفی کرده است. از پیامبر (ص) حدیثی را نقل می‌کند که در روز قیامت حضرت علی (ع) را با لقب وصی رسول المسلمین و امیرالمومنین خطاب می‌کنند. او در فصل هشتم کتاب خود علی بن ابی طالب را نزدیک‌ترین فرد به رسول خدا ص و جانشین او معرفی می‌کند آنچه نشان از وصی بودن حضرت علی (ع) در کلام او دارد ابتدا روایتی است که از طریق انس از پیامبر (ص) نقل شده است «ان اخی و وزیر و وصی علی بن ابی طالب» و حدیث منزلت و حدیث طبر که در کنار سایر فضیلت‌های علی (ع) بیان کرده است

۱ در تاریخ وفات و اختلاف نظر است شیخ طوسی در رجال خود او را متوفی 332 می‌داند و نجاشی در رجال خود او را متوفی 333 ذکر کرده است.

۲ المائده: 3.



ابن عقده گفت وگویی که بین پیامبر(ص) و علی (ع) در ماه رمضان اتفاق افتاده است را نقل می کند که پیامبر(ص) بعد از خبر شهادت علی (ع) در ماه مبارک رمضان به علی (ع) می گوید ای علی خداوند تورا برای امامت برگزید و هرکس امامت تورا انکار کند نبوت من را انکار کرده است ای علی تو برادر و وصی و جانشین من در امتم در زمان حیات و مرگ من می باشی تو حجت خدای بر خلق هستی . (همان).

به کاربرده واژه وصی و خلیفه در کنار هم و تعیین زمان وصایت حضرت علی (ع) و خلیفه بودن علی بن ابی طالب ع در زمان زندگی و مرگ پیامبر(ص) چیزی غیر از جانشین بودن علی (ع) بعد از رحلت پیامبر ص را نمی رساند .

۱۰- ابوالحسن احمد بن موسی طبری (۳۴۰-۲۶۸).

احمد بن موسی طبری در کتاب المنیر خود امامت را یکی از فرائض الهی و امام را معدن رسالت معرفی میکند که هیچ واجبی در اهمیت مانند امامت نیست و نمی توان این واجب را به چیز دیگری تبدیل کرد زیرا مردم نیازمند امامی هستند که توحید را برای آنها توضیح دهد . او به این مطلب اعتقاد دارد که خداوند قبل از مرگ نبی اکرم ص به او امر کرد که وصی و جانشین بعد از خود را از طریق وصیت به مردم معرفی کند همان کسی که در جایگاه مقام رسول خدا ص قرار می گیرد و از همه شایسته تر است تا در این مقام قرار گیرد حضرت ص هم وصی خود را علی (ع) قرار داد.

طبری بعد از بیان این نکته، سخن رسول خدا ص در مورد علی (ع) را بیان می کند «علی منی بمنزله هارون من موسی الا انه لانبی بعدی» در اینجا می خواهد همان منزلتی که هارون برای موسی دارد را برای علی هم در نظر بگیرد اگر موسی خلیفه در بین امت بعد از موسی بود علی هم اینگونه است و با استدلال به آیه قرآن پیامبر(ص) و وصی او را از اولین ایمان آورندگان می داند که هرکسی از آنان تبعیت کند داخل در نور می شود . او به صراحت بیان می کند که نظر افرادی که می گویند پیامبر ص وصیت نکرده است را قبول ندارد و بالاینکه پیامبر(ص) حضرت علی (ع) را برادر خود در زمان حیات و وصی در زمان مرگ خود قرار داد باز هم مردم بعد از او دچار اختلاف شدند و با اینکه می دانستند ائمه باید از قریش باشند و دوفتر به نامهای سعد بن عباد و ابابکر رانتخاب کردند و این در حالی بود که علی (ع) مشغول کفن و دفن رسول خدا ص شده بود.

جایز نیست کسی در مقام رسول خدا ص قرار بگیرد در حالی که از طرف او انتخاب نشده است و هر آنکه با کسی که در مورد خود گفته است «انا وصی الاوصیاء» مخالفت کند در واقع با حکم خدا مخالفت کرده است (هادی الی الحق، ۱۴۲۳). و رسول خدا ص آنان را کافردانسته اند . می توان از این جمله او این برداشت را داشت که او هم وصایت علی (ع) را قبول داشت هم خلافت شیخین را مشروع نمی دانست زیرا در مورد آنان دستوری از رسول خدا ص نرسیده است. در کتاب مجالس طبری اشاره به داستانی در مورد قوم بنی اسرائیل می کند که با جمع شدن در دور نبی خودشان از او خواستند که فردی را بفرستد که در راه خدا بجنگد امت محمد هم به دور علی (ع) جمع شدند و از او خداستند ابا بکر را برایشان بفرستد . با این شیوه بیان او مخالفت خود را نسبت به این اجتماع اعلام می کند و تایید این مطلب با بررسی نظر او در مورد اصحاب بیشتر روشن می شود چرا که به نظر او همه اصحاب پیامبر(ص) مانند هم نمی باشند .

۱۱. ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن الحسن بن ابراهیم بن محمد الحسنی

کتاب المصابیح احمد بن ابراهیم اشاره به این مطلب می کند که پیامبر(ص) به علی (ع) امر کرد که امانات و وصایای او را ادا کند و حضرت علی (ع) هم قبول کردند که ادای امانت پیامبر(ص) را انجام دهند. (احمد بن ابراهیم ، بی تا).

۱۲. الامام المهدی لدین الله الحسین بن القاسم بن علی العیانی (384-404 ق)



مهدی لدین الله حضرت علی (ع) راجعت خدا بعد از نبی ص میدانند زیرا اعتقاد دارد «ان الارض لاتخلو من الحجه» (مهدی لدین الله، ۱۴۲۵). کسی که بعد از نبی ص می تواند امور مسلمانان را اقامه کند غیر از علی بن ابی طالب نمی باشد و در مورد او گفته شده است «علی منی بمنزله هارون من موسی لانه لانبی بعدی».

۱۳. الامام الموید بالله ابوالحسین احمد بن الحسین بن هارون الدیلمی (333-411ق)

او در پاسخ به سوالی که ، امام بعد از نبی اکرم ص چه کسی است؟ به صراحت بیان می کند : امام بعد از پیامبر(ص) علی بن ابی طالب ع است و اطاعت از او واجب است زیرا پیامبر(ص) برای علی (ع) همان منزلتی را در نظر گرفته بود که موسی برای هارون قرار داده بود. امام موید بالله مخالف نظر افرادی است که حدیث منزلت را فقط در نشان دادن فضیلت علی (ع) بر سایرین قبول دارند و دلیلشان این است که اگر علی (ع) امام بود صحابه در تعیین امام دیگری دور هم جمع نمی شدند و امام علی (ع) سکوت نمی کرد . او هجوم به درب خانه فاطمه س بخاطر تاخیر در بیعت علی (ع) و بیعت نکردن اصحابی چون زبیر و عمار یاسر را نشان از مقابله با اجتماع مردم وعدم سکوت علی (ع) می داند .

همچنین در کتاب امالی الصغری از ابومحمد حسن بن محمد بن یحیی بن حسینی با سند خود از سعد بن ابی وقاص نقل می کند که رسول خدا ص در باره علی (ع) همان منزلتی را قرار داده است که برای موسی بود مگر اینکه بعد از پیامبر(ص) نبی نمی باشد (موید بالله، ۱۴۱۴). و پیامبر(ص) در مورد علی (ع) الفاضلی مانند "انت الاخی" و "انت الوسی" را به کار می برند و خود حضرت هم در روزشوری افرادی که در آنجا بودند وصایت خود را بیان کرد که پایا کسی غیر از من وصی رسول خدا ص بود و همه او را تایید کردند که او تنها وصی پیامبر(ص) بود.

۱۴. القاضی ابوالقاسم اسماعیل بن احمد بن محفوظ بستی جبلی

در کتاب "المراتب" قاضی ابوالقاسم بستی، امام علی (ع) را صاحب فضیلت های بیشماری می داند فضیلت های که علی (ع) را از همه بالاتر نشان می داد تا جای که اگر ابوبکر هم بگوید صدیق است علی (ع) از او بالاتر است . او در شمردن فضیلت های مخصوص علی (ع) ، حدیث منزلت «انت منی بمنزله هارون من موسی» را می آورد و مقصود از منزلت ، خلیفه بودن علی (ع) در قوم پیامبر(ص) بیان می کند . در شرح حدیث «انت منی کیوشع بن نون من موسی» منظور پیامبر(ص) را در مقام وصایت و خلافت علی (ع) می داند . (بستی جبلی، ۱۴۲۱).

فصل بیست و دوم کتاب خود را به بیان اخبار غیب می پردازد و سخن رسول خدا ص را که به علی (ع) فرموده است «انت ولی و وزیر و خلیفتی من بعدی و قاضی دینی و منجز وعده» نشان از آن می داند که رسول خدا ص قبل از علی می میرند و پیامبر ص به او وصیت کرده است که علی (ع) که سید الوصین و امام متقین است وصی و جانشین او در میان امت بعد از رسول ص باشد و نظر افرادی که می گویند رسول خدا ص وصیت نکرده را یک خبر دروغ می داند . (همان).

۱۵. الامام الناطق بالحق ابوطالب یحیی بن الحسین بن هارون الدیلمی (340-424)

۱۶. الحاکم ابوسعید محسن بن محمد بن کرامه بیهقی جشمی (413-494)

ابوسعید امامت را امر مهمی بعد از نبی اکرم ص می داند که در مورد آن اختلاف بین صحابه و اهل بیت پیش آمد و به ناچار باید یا صحابه یا اهل بیت را انتخاب کرد ولیکن در مورد فضیلت های اهل بیت اخبار و آثاری است مانند «علی منی و انا منه» یا «انت منی بمنزله هارون من موسی» و «هو اخی و وصی» و او معتقد است آنچه درباره فضیلت های اصحاب آمده است مانند مجاهدتهای آنها و رضایت خداوند از آنها دلیل نمی شود که با کنار گذاشتن علی (ع) توسط آنان بر علیه آنان خروج نکرد . (حاکم ابی سعد، ۱۴۱۴).



فهرست منابع

۱. ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، تهذیب اللغة، چاپ اول، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۲. بستنی جیلی، قاسم اسماعیل، ۱۴۲۱ه، المراتب فی فضائل امیرالمومنین، چاپ اول، قم، انتشارات دلیل.
۳. تثبیت الوصیه، امام زید بن علی، تثبیت الوصیه، ۱۴۱۲، یمن، دارالتراث.
۴. تراث الزیدیه، موسوی نژاد، سید علی، ۱۳۸۴، تراث الزیدیه، قم، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۵. جشمی بیهقی، حکم ابی اسعد، ۱۴۱۴، رساله ابلیس علی اخوانه مناحیس، چاپ اول، بی نا.
۶. حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ق، تذکره الفقهاء، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۷. درسی حمزی، ابراهیم یحیی، ۱۴۲۲ه، مجموع کتب و رسائل امام اعظم امیرالمومنین زید بن علی بن الحسین، چاپ اول، انتشارات: مرکز اهل بیت لدراسات الاسلامیه.
۸. دیلمی، مویدالله، ۱۴۲۳ق، التبصره فی العدل والتوحید، چاپ اول، صعده، انتشارات تراث اسلامی.
۹. دیلمی، یحیی بن حسین، ۱۴۲۲ق، تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب، چاپ اول، عمان، انتشارات موسسه امام زید بن علی.
۱۰. رسی، قاسم، ۱۴۱۹، تثبیت الامامه امامه امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ دوم، بیروت، دارامام سجاد.
۱۱. رسی، قاسم، ۱۴۲۲، در الاحادیث النبویه بالاسانید الی حیویه، چاپ اول، موسسه امام زید بن علی الثقافیه.
۱۲. الرسی، قاسم بن ابراهیم، ۱۴۲۳ق، الكامل المنیر، چاپ اول، بیروت، انتشارات دلتا.
۱۳. زبیدی، مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق؛ علی، شیری، بیروت، دارالفکر.
۱۴. زید بن علی، ۱۴۲۳، تحقیق محمد یحیی سالم عزان، انتشارات دارالتراث یمنی.
۱۵. -----، تفسیر غریب القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالعالمیه.
۱۶. سالم عزان، محمد یحیی، ۱۴۲۲، رسائل زید بن علی، چاپ اول، یمن، دارالحکمه.
۱۷. طبری، احمد بن موسی، ۱۴۲۱ه، المنیر علی مذهب امام هادی الی الحق، چاپ اول، یمن، انتشارات مرکز اهل بیت.
۱۸. طبری، احمد بن موسی، ۱۴۲۲ه، مجالس الطبری، چاپ اول، انتشارات امام زید بن علی ثقافیه.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۷ه، الفهرست، بی جا، انتشارات نشر اسلامی.
۲۰. علوی عباسی، علی بن محمد، سیره الهادی الی الحق، ۱۴۱۰، چاپ دوم، بیروت، دارالفکر.
۲۱. عیانی، حسین بن قاسم، ۱۴۲۳، مجموع کتب و رسائل الإمام مهدی لدین الله، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز اهل بیت.
۲۲. الغری، عبدالله بن حمود، ۱۴۲۲ه، مجموع حدیثی و فقهی امام زید بن علی بن حسین، چاپ اول، موسسه امام زید بن علی ثقافیه.
۲۳. کوفی، احمد بن محمد، فضائل امیرالمومنین، ۱۴۲۱ق، چاپ اول، قم، انتشارات دلیل ما.
۲۴. کوفی، -----، ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات کوفی، چاپ اول، طهران، انتشارات وزاره الثقافه و ارشاد اسلامی.
۲۵. موید بالله، احمد بن حسین، امالی الصغری، ۱۴۱۴ه، چاپ اول، صعده، انتشارات دارالتراث اسلامی.
۲۶. نجفی، محمد حسن، ۱۳۹۷، جواهر الکلام فی شرائع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. الهادی، محمد بن یحیی، ۱۴۲۳، مجموع کتب و رسائل امام مرتضی محمد بن یحیی الهادی، چاپ اول، صعده، انتشارات تراث اسلامی.
۲۸. یحیی بن حسین بن قاسم بن ابراهیم، ۱۴۲۳، مجموع رسائل الإمام الهادی، بی جا، بی نا.
۲۹. یحیی بن حسین، مرتضی، ۱۴۲۱ه، چاپ اول، انتشارات امام زید بن علی الثقافیه.